

تحلیل جامعه‌شناختی شکاف جنسیتی در مشارکت اقتصادی (مورد مطالعه: زنان شهری استان آذربایجان شرقی)

حسین صفری^{۱*}

پروانه دانش^۲

سیروس فخرایی^۳

چکیده

منابع انسانی از عوامل مهم و تاثیرگذار بر توسعه اقتصادی هر جامعه محسوب می‌شود. چراکه، توسعه فقط بر مبنای تولید ناخالص ملی و سطح درآمد سرانه سنجیده نمی‌شود، بلکه عواملی مانند مشارکت اقتصادی زنان نیز در این فرایند موثر است. اما آمار و ارقام موجود نشان می‌دهد که سهم و نقش زنان در مشارکت اقتصادی در ایران بسیار پایین است. شواهد در استان آذربایجان شرقی نیز دال بر وجود شکاف جنسیتی در مشارکت اقتصادی است. بر این اساس، هدف تحقیق پاسخ به این سوال است که کدام عوامل جامعه‌شناختی در ایجاد شکاف جنسیتی در مشارکت اقتصادی در این استان نقش دارند. بدین منظور نگرش زنان استان مورد بررسی قرار گرفته است. روش تحقیق پیمایش و ابزار جمع‌آوری داده‌ها پرسشنامه است. جامعه آماری تحقیق شامل زنان شهری دانش آموخته دانشگاهی و بیکار استان آذربایجان شرقی در سال ۱۳۹۶ بوده و حجم نمونه ۳۷۱ نفر است. شیوه نمونه‌گیری نیز خوشه‌ای است. یافته‌های تحقیق نشان داده است که بیش از ۶۵ درصد زنان مورد مطالعه با مشارکت اقتصادی پایین زنان موافق هستند. علاوه بر این، رابطه متغیرهای کلیشه‌های جنسیتی و مردسالاری با شکاف جنسیتی در مشارکت اقتصادی معنی‌دار بوده اما متغیر نقش‌های جنسیتی رابطه معنی‌دار ندارد. نتیجه‌گیری تحقیق این است که شکاف جنسیتی ریشه در باورهای اجتماعی منفی و قدرت اجتماعی مردان دارد.

واژگان کلیدی: شکاف جنسیتی، مشارکت اقتصادی، زنان، استان آذربایجان شرقی، توسعه.

۱- دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی مسایل اجتماعی دانشگاه پیام‌نور (نویسنده مسئول) و عضو هیات علمی گروه علوم اجتماعی دانشگاه پیام نور

safari.pnu@gmail.com

P_danesh@pnu.ac.ir

sfakhrayi@pnu.ac.ir

۲- دانشیار گروه علوم اجتماعی دانشگاه پیام نور

۳- استادیار گروه علوم اجتماعی دانشگاه پیام نور

مقدمه و بیان مسئله

منابع انسانی از عوامل مهم و تاثیرگذار بر توسعه اقتصادی هر جامعه محسوب می‌شود. چراکه، توسعه فقط بر مبنای تولید ناخالص ملی و سطح درآمد سرانه سنجیده نمی‌شود، بلکه عواملی مانند مشارکت اقتصادی زنان نیز در این فرایند موثر است (صفایی‌پور و زادولی خواجه، ۱۳۹۵: ۶۴). اما آمار و ارقام موجود نشان می‌دهد که سهم و نقش زنان در مشارکت اقتصادی در ایران بسیار پایین است و شکاف و نابرابری جنسیتی وجود دارد. شکاف یا نابرابری جنسیتی در مشارکت اقتصادی به تفاوت بین مردان و زنان در عرصه اقتصاد و کار و فعالیت اقتصادی اشاره دارد (انجمن اقتصادی جهانی، ۲۰۱۷: ۸).

طبق گزارش انجمن اقتصادی جهانی نمره ایران در مشارکت اقتصادی در سال ۲۰۱۷ از ۱۰۰ برابر با ۰/۳۵۷ است. هر اندازه نمره کسب شده به صفر نزدیک تر باشد نشان دهنده شکاف جنسیتی یا نسبت بسیار پایین زنان در مشارکت اقتصادی است (همان: ۱۲). بنابراین، این نمره نسبت و سهم پایین زنان در مشارکت اقتصادی در ایران را نشان می‌دهد. بر اساس نتایج طرح آمارگیری نیروی کار، نرخ مشارکت اقتصادی مردان ۶۳/۷ و زنان ۱۴/۳ است. در همین حال، نرخ مشارکت اقتصادی مردان در نقاط شهری ۶۳ و زنان ۱۴/۱ است. همچنین، در نقاط شهری استان آذربایجان شرقی نرخ مشارکت اقتصادی مردان ۷۰/۶ درصد و زنان ۱۳/۷ درصد است (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۵: ۵۰-۳۶). در این میان، بر اساس سالنامه نیروی انسانی استان آذربایجان شرقی در سال ۱۳۹۵، درصد مردان دانشگاهی شاغل ۷۶ درصد و زنان ۲۴ درصد است (همان: ۵۴). این اعداد و ارقام شکاف جنسیتی شدید در مشارکت اقتصادی در کل کشور و استان آذربایجان شرقی را نشان می‌دهند.

شکاف و نابرابری جنسیتی در مشارکت اقتصادی می‌تواند توسعه کشور را تحت تاثیر قرار دهد. زیرا زنان به عنوان سرمایه انسانی منابع با ارزشی هستند که در جامعه نقش تاثیرگذاری دارند. این نقش از ابعاد مختلف قابل بررسی است و می‌توان به نظریه‌های مختلف، گزارش سازمان‌های مختلف، الگوی توسعه یافتگی کشورها و مطالعات تجربی استناد نمود. به عقیده سگر^۱، ورود زنان به حوزه‌های عمومی یا اصل مشارکت عمومی یکی از اصول توسعه پایدار است و مشارکت عمومی زنان بر رفاه و زندگی مردم موثر است. یانگ^۲ نیز معتقد است که زنان منابع با ارزشی هستند بنابراین باید به عنوان برنامه ریزان و طراحان توسعه بکار گرفته شوند (حافظیان،

1- Segar

2- Young

۱۳۸۸: ۱۴). آمارتیاسن^۱ معتقد است که مشارکت اقتصادی، سیاسی و اجتماعی زنان یکی از جنبه‌های مهم توسعه و رشد اقتصادی محسوب می‌شود. استفان سیگنو و استفان نولز^۲ نیز در مطالعات خود به این نتیجه رسیدند که نابرابری جنسیتی در مشارکت اقتصادی اثر منفی بر نرخ رشد و توسعه اقتصادی دارد (پرتوی و همکاران، ۱۳۸۸: ۵۱). در گزارش سالانه بانک جهانی آمده است که سیاست‌ها و اقدامات توسعه‌ای که نابرابری جنسیتی را نادیده می‌گیرند اثر بخشی کمتر داشته و هزینه‌های مضاعفی را متحمل می‌شوند. بر اساس خط مشی اجلاس ریو^۳ نیز توانمند سازی زنان، مشارکت کامل و برابری زنان یکی از پایه‌های توسعه پایدار است. بر اساس این خط مشی، سیاست‌هایی که برابری جنسیتی را در نظر نگیرند در بلند مدت موفق نخواهند بود (اکبری، ۱۳۹۱: ۳۷). الگوی توسعه یافتگی جهان غرب نیز نشان می‌دهد که فرایند نوسازی و پیشرفت با افزایش مشارکت اقتصادی زنان همراه بوده است (حافظیان، ۱۳۸۸: ۱۳).

ضرورت تحقیق از این لحاظ است که ایران کشوری در حال توسعه است و نیمی از جمعیت آن را زنان تشکیل می‌دهند. اما، در ایران نقش زنان در جامعه بویژه در بحث توسعه بسیار کم مورد توجه قرار گرفته است (همان: ۱۴). تحقق کامل توسعه در ایران مستلزم برابری جنسیتی در مشارکت اقتصادی و سایر حوزه‌ها است (غفاری و ابراهیمی لویه، ۱۳۹۲: ۱۲۵). مطالعات تجربی در ایران نیز نشان می‌دهند که بین نرخ مشارکت نیروی کار زنان و رشد و توسعه رابطه مثبت و معنادار وجود دارد (کریمی و همکاران، ۱۳۹۷: ۱۴۹).

با توجه به سهم بسیار پایین زنان در مشارکت اقتصادی در استان آذربایجان شرقی (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۵: ۵۰-۳۶)، سوال اصلی که در واقع هدف تحقیق را تشکیل می‌دهد، این است که چه عوامل جامعه‌شناختی در شکاف جنسیتی و نسبت پایین مشارکت اقتصادی زنان در استان آذربایجان شرقی نقش دارند. بدین منظور، نگرش و نظرات زنان این استان مورد بررسی قرار گرفته است.

پیشینه تحقیق

در تبیین و تحلیل شکاف جنسیتی در مشارکت اقتصادی تحقیقات پیشین را می‌توان به دو دسته کلی تفکیک نمود. ۱- تحقیقاتی که در سطح کلان با استفاده از تحلیل ثانویه شکاف جنسیتی در مشارکت اقتصادی را مورد تحلیل و تبیین قرار داده‌اند. در این تحقیقات عوامل اجتماعی موثر بر شکاف جنسیتی در مشارکت اقتصادی شامل نرخ بیکاری مردان (میرزایی، ۱۳۸۳)، ساختار سنی

1- Amartyasen

2- Stephen Cigno and Stephen Knowles

3- Rio

جمعیت (نوروزی، ۱۳۸۱)، تغییرات جمعیت شناختی (فروتن، ۱۳۸۷)، تعداد فرزند (پاسبان، ۱۳۸۵)، فناوری اطلاعات و ارتباطات (دیزجی و کتابفروش بدری، ۱۳۹۵)، خانه داری (صفاکیش و فلاح محسن خانی، ۱۳۹۵)، فضای مجازی (مزینی و همکاران، ۱۳۹۸)، تعداد افراد شاغل در خانوار، وضعیت تاهل، محل اقامت و سرپرست بودن زنان (عرب مازار و همکاران، ۱۳۹۳)، تحصیلات دانشگاهی (کاوند و همکاران، ۱۳۹۰؛ کریمی موغاری و جهان تیغ، ۱۳۹۳)، نرخ باروری (مزینی و همکاران، ۱۳۹۸)، درآمد خانواده (مشیری و همکاران، ۱۳۹۴)، بحران مالی (آنستاسیو^۱ و همکاران، ۲۰۱۵)، حمایت دولت (دیکاف^۲ و همکاران، ۲۰۱۵)، سقف شیشه‌ای (پورسل^۳، ۲۰۱۳)، استراتژی‌های دولت رفاه (ماندل^۴، ۲۰۰۹)، یارانه دولتی (بیرک و هان^۵، ۲۰۰۷) و جنسیت (کاوند و همکاران، ۱۳۹۰) است. ۲- تحقیقاتی که در سطح خرد و فردی با استفاده از روش پیمایشی یا کیفی احساس یا نگرش نسبت به شکاف جنسیتی در مشارکت اقتصادی را مطالعه کرده‌اند. در این تحقیقات عوامل اجتماعی موثر بر این مسئله شامل اجتماعی شدن (سفیری، ۱۳۸۰؛ صفایی پور و زادولی خواجه، ۱۳۹۴)، کلیشه‌های جنسیتی (تقوی و سلطانی، ۱۳۸۸؛ صفایی پور و زادولی خواجه، ۱۳۹۴)، تعصب و پیشداوری (شربتیان، ۱۳۸۸)، عدم وجود نهادهای سیاسی مشارکتی (صفایی پور و زادولی خواجه، ۱۳۹۴)، وضعیت اقتصادی خانوار (نحوی و قربانی، ۱۳۹۱) و فرایندهای نهادی (کوک^۶ و همکاران، ۲۰۱۵) است.

در زیر تعدادی از مطالعات انجام گرفته اخیر پیرامون شکاف جنسیتی در مشارکت اقتصادی ارائه شده است.

جدول شماره ۱: خلاصه‌ای از مهمترین مطالعات صورت گرفته پیرامون شکاف جنسیتی در مشارکت اقتصادی

نویسندگان	عنوان	خلاصه‌ای از نتایج
مشیری و همکاران (۱۳۹۴)	عوامل موثر بر نرخ مشارکت نیروی کار در بازار کار ایران	همبستگی بین مدرک تحصیلی و احتمال مشارکت بالای زنان افزایش؛ همبستگی منفی بین درآمد سایر اعضای خانواده با مشارکت در بازار کار زنان
دیزجی و کتابفروش بدری (۱۳۹۵)	بررسی عوامل موثر بر اشتغال زنان با تاکید بر استفاده از ICT	تاثیر مثبت و معنی‌دار فناوری اطلاعات و ارتباطات بر اشتغال زنان؛ اثر مثبت و معنی‌دار متغیرهای مخارج سلامت و بهداشت، تولید ناخالص داخلی سرانه و مخارج آموزش بر اشتغال زنان.

1- Anastasio

2- Dieckhoff

3- Purcell

4- Mandel

5- Bierek and Han

6- Cook

ادامه جدول شماره ۱:

نویسندگان	عنوان	خلاصه‌ای از نتایج
صفاکیش و فلاح محسن خانی (۱۳۹۵)	بررسی عدم مشارکت اقتصادی زنان در بازار کار ایران	تاثیر متوسط زمان سپری شده برای فعالیت‌های خانه‌داری و تاثیر منفی آن بر فعالیت‌های اقتصادی؛ تاثیر نگرش‌های فرهنگی و سنتی موجود در جامعه بر پایین بودن نرخ مشارکت اقتصادی زنان در ایران.
صفایی پور و زادولی خواجه (۱۳۹۵)	تحلیلی بر موانع مشارکت اقتصادی زنان در ایران (مورد مطالعه کلان شهر تبریز)	مهمترین موانع مشارکت اقتصادی زنان تبعیض و تفاوت در فرایند اجتماعی شدن زن و مرد در جامعه، طرز تلقی و نگرش جامعه به وظایف زنان و عدم وجود نهادهای سیاسی مشارکتی بود.
مزینی و همکاران (۱۳۹۸)	بررسی اثر توسعه فضای مجازی بر مشارکت زنان در اقتصاد ایران	رابطه معکوس بین نرخ‌های باروری و مشارکت زنان؛ نرخ بالای مشارکت زنان با گسترش فضای مجازی.
کوک و همکاران (۲۰۱۵)	فرایندهای نهادی و تولید نابرابری‌های جنسیتی	ارائه شواهد محدود و جنسیت یافته از عدالت اجرایی و رفرم سیاسی بر اساس شیوه‌های جاری اجرایی و پژوهشی جمع‌آوری داده‌ها
آنستاسیو و همکاران (۲۰۱۵)	بحران اقتصادی، ریاضت و نابرابری جنسیتی در کار، شواهدی از یونان و سایر کشورهای بالکان	تاثیر بحران مالی و ریاضت اقتصادی بر افزایش نابرابری جنسیتی در کار و اعمال فشار بر زنان جهت کار کمتر و ورود به مشاغل دارای درآمد پایین‌تر.
دیکاف و همکاران (۲۰۱۵)	سنجش اثر تغییر نهادی بر نابرابری جنسیتی در بازار کار	بالا بردن فرصت‌های اشتغال زنان از طریق افزایش حمایت دولت از خانواده‌ها

منبع: مطالعات اسنادی نگارندگان، ۱۳۹۷

این پژوهش در بسط و گسترش تحقیقات گذشته، در سطح خرد و فردی در قلمرو مکانی متفاوت به تبیین و تحلیل جامعه شناختی شکاف جنسیتی در مشارکت اقتصادی می‌پردازد. بررسی تحقیقات گذشته در راستای موضوع و قلمرو مورد مطالعه نشان می‌دهد که مطالعات انجام یافته پیرامون شکاف جنسیتی در مشارکت اقتصادی بسیار نادر بوده و نه در سطح استان آذربایجان شرقی بلکه تنها در کلان شهر تبریز صورت گرفته است. این پژوهش برای اولین بار به تحلیل و تبیین شکاف جنسیتی در مشارکت اقتصادی در سطح استان آذربایجان شرقی می‌پردازد.

مبانی نظری

نظریه‌های مربوط به شکاف و نابرابری جنسیتی در سطوح اجتماعی و اقتصادی را می‌توان به چند سنت نظری دسته بندی کرد.

≠ **نظریه‌های کارکردگرایی:** کارکردگرایی به جامعه به عنوان نظام پیچیده‌ای نگاه می‌کند که بخش‌های آن با یکدیگر کار می‌کنند تا انسجام و ثبات جامعه به عنوان کل را حفظ کنند. از این دیدگاه نابرابری‌های جنسیتی روش موثر و مفیدی برای تقسیم کار و انتظام اجتماعی است. بدین لحاظ، کارکردگرایی بر نقش‌های جنسیتی تاکید دارد و بر این نظر است که نقش‌های جنسیتی کارایی اجتماعی را افزایش می‌دهد (برینکرهاف^۱، ۲۰۱۱: ۲۲۴). بنابراین افتراق نقشی یا نقش‌های جنسیتی به ثبات جامعه کمک می‌کند و این نقش‌ها از طریق فرایند اجتماعی شدن به نسل‌های بعدی آموخته می‌شود (تیشلر^۲، ۲۰۱۱: ۲۲۰).

≠ **نظریه‌های تضاد:** نظریه تضاد بر این عقیده است که مردان یا جنس مسلط زنان را تحت انقیاد و زیر دست آورده اند تا امتیاز و سرفرازی خود را در جامعه حفظ کنند. از این دیدگاه زنان قدرت کمتری نسبت به مردان دارند چون به مردان وابسته هستند. مردان مانند هر گروه دیگری که قدرت یا امتیاز دارند برای کنترل منابع (قدرت اقتصادی و سیاسی) مبارزه می‌کنند. بر اساس دیدگاه تضاد، جامعه صحنه مبارزه برای تسلط میان گروه‌های اجتماعی است که برای منابع کمیاب رقابت می‌کنند و جنسیت صحنه تلاش مردانه برای حفظ قدرت و برتری و تسلط بر زنان است. مردان گروه مسلط و زنان گروه مادون هستند. بر اساس این دیدگاه، تفاوت‌های جنسیتی در قدرت و عرصه اجتماعی اقتصادی مبتنی بر میزان کنترل مردان بر ابزار تولید و بنابراین بازتاب تقسیمات طبقاتی است (کالچ اوپن استکس^۳، ۲۰۱۳: ۲۰۳).

≠ **نظریه‌های فمینیستی:** از دیدگاه فمینیسم نابرابری جنسیتی از ساخت‌های اجتماعی و از دستاوردهای فرهنگ مردسالار است (آدامز و سیدای^۴، ۲۰۰۱: ۱۸۴). نظریه‌ها و دیدگاه‌های فمینیست‌ها پیرامون شکاف و نابرابری جنسیتی به سه گروه عمده مارکسیستی، رادیکال و سوسیالیستی تقسیم می‌شود. به اعتقاد فمینیست‌های مارکسیستی، تقسیم کار جنسی در عرصه خانگی با نیازهای نظام سرمایه داری همخوانی داشته و توجیه کننده سهم زنان از مشاغل در بازار کار است. فمینیست‌های رادیکال بر نظام مردسالاری تاکید داشته و بر این باورند که شیوه

1- Brinkerhoff

2- Tischler

3- OpenStax College

4- Adams&Sydie

تولید خانگی زنان را تحت استثمار و سلطه مردان قرار داده و به سود آنان است که زنان را برای رفع نیازهای خود در خانه نگه دارند. اما فمینیست‌های سوسیالیستی جداسازی شغلی بر حسب جنسیت را بر اساس پیوند سرمایه داری و مردسالاری توجیه می‌کنند (صفایی‌پور و زادولی خواجه، ۱۳۹۵: ۷۲).

≠ **نظریه‌های تعامل گرایی:** از دیدگاه تعامل گرایی تفاوت‌های جنسیتی ساخت فرهنگی یا مصنوعی فرهنگی است که در عرصه کنش متقابل تولید می‌شود. این عرصه و میدان می‌تواند خانواده، مدرسه، گروه همسالان و رسانه باشد. در این عرصه کودکان در فرایند اجتماعی شدن و یادگیری تدریجی نقش‌ها و کلیشه‌های جنسیتی را می‌پذیرند. همین امر باعث تداوم سلطه مردان و شکاف و نابرابری جنسیتی می‌شود (آدامز و سیدای، ۲۰۰۱: ۱۸۴).

≠ **نظریه‌های انتخاب عقلانی:** طبق نظریه انتخاب عقلانی سطوح پایین جایگاه شغلی زنان در بازار کار نتیجه تصمیمات منطقی و عقلانی و آزادانه خود زنان است. این نظریه بیان می‌کند که بیشتر زنان مراحل ازدواج و نگهداری از فرزند را پیش بینی می‌کنند و این مسئله موجب می‌شود که زنان بین دوره کارکرد بازاری خود و ازدواج شان فاصله بیندازند که همین امر موجب عقب ماندگی اقتصادی زنان است (عرب مازار و همکاران، ۱۳۹۳: ۷۸).

در این تحقیق چارچوب نظری بر اساس رویکردهای تعامل گرایی و فمینیسم بررسی شده است. از جمله نظریه پردازان مطرح در این رویکردها سندرا بَم و سیمون دوبورا هستند.

سندرا بَم^۱ ریشه شکاف و نابرابری جنسیتی در عرصه اجتماعی و اقتصادی را در نقش‌ها و کلیشه‌ای جنسیتی می‌داند. نظریه بَم به نظریه طرح‌واره جنسیتی مشهور است. طرح‌واره جنسیتی عبارت است از مجموعه‌ای از تداعی‌های مرتبط با جنسیت که در فرهنگ چشمگیر است. در این فرهنگ در فرایند یادگیری تدریجی محتوای طرح‌واره جنسیتی کودکان نقش‌های جنسیتی و کلیشه‌های جنسیتی را می‌پذیرند. به این ترتیب دختر می‌داند که مونث است و بطور غیر ارادی خود را با فرهنگ و تصورات قالبی و هنجارهای جنسیتی سازگار می‌کند. همین عقاید قالبی نقش‌های اجتماعی و اقتصادی را از زنان سلب می‌کند چرا که آنان را به نقش‌های خانه داری و بچه داری محدود می‌کند (هاید، ۱۳۸۰: ۴۴). به نظر بَم، کودکان بر اساس طرح‌واره جنسیتی اطلاعات را پردازش می‌کنند و در این جریان می‌فهمند که کدام خصوصیات و نقش‌ها به جنسیت آنها مربوط است و بنابراین یاد می‌گیرند که خصوصیات، نگرش‌ها و رفتارهای خود را با

1- Sandra Bem

طرح‌واره‌های جنسیتی منطبق کنند و رفتار خود را با تعاریف فرهنگی از مردانگی و زنانگی تنظیم کنند (جمشیدی سلوکلو، ۱۳۹۲).

سیمون دو بووار^۱ در جمله مشهورش بیان می‌کند که "کسی زن متولد نمی‌شود بلکه به زن تبدیل می‌شود". به نظر دو بووار شکاف و نابرابری جنسیتی در سطوح اجتماعی و اقتصادی از ساخت‌های اجتماعی و از دستاوردهای فرهنگ مردسالار است (شادی طلب و خانجانی‌نژاد، ۱۳۹۱: ۱۳۴). تفاوت جنسی نه واقعیت بلکه فرایندی است که فرهنگ مردانه خلق کرده و بکار می‌برد تا پایه‌های خودش را استوار کند. تفاوت و شکاف بین زنان و مردان از ساخت بندی فرهنگی که ساخته مردان است (جهان صرفاً توسط مردان نگریده و تعریف شده است) و آنها را نادیده می‌گیرد و از درونی شدن دیگریت در آنها ناشی می‌شود (ریتزر، ۱۳۹۳). بر اساس چهارچوب نظری تحقیق، مدل نظری تحقیق مطابق شکل شماره ۱ است.



فرضیه‌های تحقیق

بر اساس مدل نظری تحقیق فرضیه‌های تحقیق عبارتند از:

- ۱- نقش‌های جنسیتی در شکاف جنسیتی در مشارکت اقتصادی نقش دارد.
- ۲- کلیشه‌های جنسیتی در شکاف جنسیتی در مشارکت اقتصادی نقش دارد.

1- Simone de Beauvoir

۳- مردسالاری در شکاف جنسیتی در مشارکت اقتصادی نقش دارد.

روش‌شناسی

برای آزمون فرضیه‌ها از روش پیمایش استفاده شده است به این دلیل که تحقیق زنان در مقیاس وسیع و سطح استانی مد نظر بوده است. در این پیمایش داده‌ها و اطلاعات لازم از طریق پرسشنامه جمع‌آوری شده و اطلاعات بدست آمده در نمونه به جمعیت تحقیق تعمیم داده می‌شود.

جامعه آماری شامل زنان تحصیلکرده دانشگاهی و بیکار ساکن در نقاط شهری استان آذربایجان شرقی در سال ۱۳۹۶ است. دلیل انتخاب زنان شهری این بوده است که مطالعه‌ی همه زنان ساکن در همه نواحی استان در توان مالی و انسانی این تحقیق نبود. زنان دارای تحصیلات دانشگاهی و بیکار انتخاب شده‌اند چون بیشتر درگیر اشتغال یابی هستند و با موضوع تحقیق سنخیت بیشتری دارند. حجم نمونه تحقیق ۳۷۱ نفر زن است. این حجم نمونه بر اساس فرمول شارل کوکران بدست آمده است.

$$n = \frac{\frac{(1.96)^2 \times .5(1 - .5)}{(.05)^2}}{1 + \left[\frac{(1.96)^2 \times .5(1 - .5)}{(.05)^2(10700)} \right]} = \frac{384}{1.036} = 370.6$$

واحد نمونه‌گیری اولیه شهر است و برای انتخاب نمونه‌ها از شیوه نمونه‌گیری خوشه‌ای استفاده شده است. بدین صورت که ابتدا نمونه‌گیری خوشه‌ای انجام گرفته و سپس عناصر فردی هر خوشه (هر شهر) انتخاب شده‌اند. همچنین برای اینکه نمونه معرف جامعه باشد، سعی شده است نمونه‌های هر خوشه به تناسب جمعیت از مناطق، طبقات و گروه‌های مختلف باشند.

تجزیه و تحلیل داده‌های گردآوری شده شامل دو بخش است. در بخش توصیفی مشخصات جمعیتی نمونه مورد مطالعه و متغیرهای تحقیق از جدول توزیع فراوانی استفاده شده است. اما در بخش تحلیل و آزمون فرضیه‌ها با توجه به نوع تحلیل و مقیاس متغیرها از آزمون‌های ضریب همبستگی پیرسون تحلیل واریانس یکطرفه استفاده شده است. در همه این تحلیل‌ها از نرم افزار SPSS21 بهره گرفته شده است.

تعریف مفهومی و عملیاتی متغیرها

۱- شکاف جنسیتی: شکاف یا نابرابری جنسیتی به تفاوت‌های نظام‌مند بین مردان و زنان در بسیاری از حوزه‌ها اشاره دارد که از مشارکت و فرصت‌های اقتصادی، توانمندی سیاسی، و حصول آموزشی تا سلامتی و آسایش متغیر است (ویلیام و داریتی، ۲۰۰۸: ۲۷۷).

۲- مشارکت اقتصادی: عبارت است از حضور و نقش مردان و زنان در عرصه اقتصاد و کار و فعالیت اقتصادی (انجمن اقتصادی جهانی، ۲۰۱۷: ۸).

۳- شکاف جنسیتی در مشارکت اقتصادی: عبارت است از تفاوت بین نسبت مردان و زنان در عرصه اقتصاد و کار و فعالیت اقتصادی (انجمن اقتصادی جهانی، ۲۰۱۷: ۸). در این تحقیق متغیر شکاف جنسیتی در مشارکت اقتصادی متغیر وابسته است. متغیر شکاف جنسیتی در مشارکت اقتصادی بر اساس معرفها و گویه‌های تعداد زنان مستخدم در بخش دولتی، تعداد زنان مستخدم در بخش خصوص و تعداد زنان کارفرما مورد اندازه‌گیری قرار گرفته است. این گویه‌ها در مقیاس لیکرت پنج درجه‌ای مورد اندازه‌گیری قرار گرفته‌اند. درجات و طیف این مقیاس عبارتند از "خیلی زیاد، زیاد، تا حدودی، کم، خیلی کم". نمرات این درجات بین ۵ تا ۱ است.

۴- نقش‌های جنسیتی: به نقش‌ها و رفتارهای مورد انتظاری اشاره دارد که فرهنگ‌ها به هر دو جنس نسبت می‌دهند (برینکرهاف و همکاران، ۲۰۱۱: ۳۹۹). به سخن دیگر، نقش‌های جنسیتی به تمایزات اجتماعی و فرهنگی رفتارهایی اشاره دارد که به مردان و زنان نسبت داده می‌شوند (کالج اوپن استکس، ۲۰۱۳: ۲۷۰). نقش‌های جنسیتی بر اساس معرف‌های خانه داری و انجام امورات خانه، تربیت کودک و ایجاد فضای گرم و عاطفی خانه سنجیده شده است. این معرف‌ها در مقیاس لیکرت پنج درجه‌ای مورد اندازه‌گیری قرار گرفته‌اند. درجات و طیف این مقیاس شامل "خیلی موافقم، موافقم، تا حدودی موافقم، مخالفم و خیلی مخالفم" است. نمرات این طیف بین ۵ تا ۱ است.

۵- کلیشه‌های جنسیتی: مجموعه‌ای از کلیشه‌ها و تفکرات قالبی درباره توانایی‌ها و قابلیت‌های هر دو جنس می‌باشد (فروتن، ۱۳۹۵: ۶۹). کلیشه‌های جنسیتی بر اساس معرف‌های احساساتی و ضعیف بودن زنان، عدم اعتماد به توانایی و قابلیت‌های مهارتی و کاری زنان و مردانه بودن نگاه جامعه به کار و فعالیت سنجیده شده است. این معرف‌ها در مقیاس لیکرت پنج درجه‌ای مورد اندازه‌گیری قرار گرفته‌اند. درجات و طیف این مقیاس شامل "خیلی موافقم، موافقم، تا حدودی موافقم، مخالفم و خیلی مخالفم" است. نمرات این طیف بین ۵ تا ۱ است.

۶- مردسالاری: عبارت است از نظامی از ساختارها و عمل اجتماعی که در آن مردان بر زنان حاکمیت و سلطه دارند (زارع شاه آبادی و ندرپور، ۱۳۹۴: ۷۴). مردسالاری بر حسب معرف‌های بزرگ بینی و قدرت طلبی مردان، برتری خواهی مردان بر زنان، استخدام و بکارگیری بیشتر مردان سنجیده شده است. این معرف‌ها در مقیاس لیکرت پنج درجه‌ای مورد اندازه‌گیری قرار

گرفته‌اند. درجات و طیف این مقیاس شامل "خیلی موافقم، موافقم، تا حدودی موافقم، مخالفم و خیلی مخالفم" است. نمرات این طیف بین ۵ تا ۱ است.

اعتبار و پایایی ابزار تحقیق

جهت بررسی اعتبار^۱ ابزار تحقیق، گویه‌ها یا سوالات توسط تعدادی اساتید و صاحب‌نظر مورد ارزیابی قرار گرفته است تا مطابقت آنها با مفهوم یا متغیرهای مورد بررسی تعیین گردد. برای اینکار از رویه مقیاس ترستون پیروی شده است. بدین‌صورت که هر یک از گویه‌ها در یک مقیاس ۱ تا ۱۱ ارزشی مورد داوری قرار گرفته است. میانگین همه گویه‌ها بالا بوده است.

جهت بررسی پایایی^۲ ابزار تحقیق نیز از آزمون آلفای کرونباخ برای هر یک از مفاهیم و متغیرهای تحقیق استفاده شده است. نتایج آزمون مطابق جدول شماره ۲ است.

جدول شماره ۲: نتایج آزمون آلفای کرونباخ

متغیرها	تعداد گویه‌ها	مقدار آلفای کرونباخ
شکاف جنسیتی در مشارکت اقتصادی	۳	۰/۸۴
نقش‌های جنسیتی	۶	۰/۸۹
کلیشه‌های جنسیتی	۶	۰/۸۶
مردسالاری	۶	۰/۸۲

طبق نتایج جدول بالا، همه متغیرهای تحقیق از پایایی بالا و قابل قبولی برخوردار هستند.

یافته‌های تحقیق

الف) توصیف مشخصات زنان

جدول شماره ۳: توزیع فراوانی نمونه زنان مورد مطالعه براساس متغیرهای مورد بررسی

متغیرها و طبقات آنها	تعداد	درصد
سن		
۲۵-۳۰	۱۹۲	۵۱/۸
۳۱-۳۵	۱۱۷	۳۱/۵
۳۶-۴۰	۳۸	۱۰/۲

1- validity

2- reliability

ادامه شماره جدول ۳:

متغیرها و طبقات آنها	تعداد	درصد
۴۱-۴۵	۲۲	۵/۹
۴۶-۵۰	۲	۰/۵
کل	۳۷۱	۱۰۰
میانگین سن	۳۱/۳۶	
وضعیت تاهل		
مجرد	۱۶۹	۴۵/۶
متاهل	۲۰۲	۵۴/۴
کل	۳۷۱	۱۰۰
رشته دانشگاهی		
علوم انسانی و اجتماعی	۱۵۴	۴۱/۵
علوم فیزیکی و طبیعی	۱۶۰	۴۳/۱
علوم ریاضی و آمار	۵۷	۱۵/۴
کل	۳۷۱	۱۰۰

بر اساس جدول بالا، سن زنان بین ۲۵ و ۵۰ سال متغیر است. بیشترین فراوانی مربوط به سنین ۲۵ تا ۳۰ است. کمترین فراوانی مربوط به سنین ۴۶ تا ۵۰ است. میانگین سن زنان ۳۱/۳۶ است. رشته دانشگاهی زنان شامل سه گروه علوم انسانی و اجتماعی، علوم فیزیکی و طبیعی و علوم ریاضی و آمار است. ۴۱/۵ درصد زنان رشته دانشگاهی علوم انسانی و اجتماعی دارند. ۴۳/۱ درصد زنان رشته دانشگاهی علوم فیزیکی و طبیعی دارند. و ۱۵/۴ درصد زنان رشته دانشگاهی علوم ریاضی و آمار دارند. بیشترین فراوانی مربوط به گروه دوم است. همچنین، ۴۵/۶ درصد زنان مورد مطالعه مجرد بوده و ۵۴/۴ درصد زنان متاهل هستند. بیشترین فراوانی مربوط به زنان متاهل است.

ب) شکاف جنسیتی در مشارکت اقتصادی

زنان در خصوص میزان شکاف جنسیتی در مشارکت اقتصادی یا تفاوت بین مردان و زنان در کار و فعالیت اقتصادی نگرش و نظرات متفاوت دارند.

جدول شماره ۴: نگرش زنان در مورد میزان شکاف جنسیتی در مشارکت اقتصادی

طبقات	فراوانی	درصد	درصد تجمعی
خیلی کم	۲۵	۶/۷	۶/۷
کم	۵۸	۱۵/۶	۲۲/۴
تا حدودی	۶۹	۱۸/۶	۴۱
زیاد	۱۲۴	۳۳/۴	۷۴/۴
خیلی زیاد	۱۳۳	۳۵/۸	۱۰۰
کل	۳۷۱	۱۰۰	

بر اساس نتایج جدول بالا، بیش از ۶۵ درصد زنان مورد مطالعه با نسبت پایین زنان در کار و فعالیت اقتصادی موافق هستند. در این میان، ۳۵/۸ درصد زنان مورد مطالعه بر این نظرند که مشارکت اقتصادی زنان بسیار پایین است.

ج) مقایسه شکاف جنسیتی در مشارکت اقتصادی در بین شهرها

شکاف جنسیتی در مشارکت اقتصادی در بین شهرهای کلپیر، اهر، تبریز، مرند و سراب مورد مقایسه قرار گرفته است. نتایج بدست آمده بدین شرح است.

جدول شماره ۵: مقایسه شکاف جنسیتی در مشارکت اقتصادی در بین شهرهای استان آذربایجان شرقی

مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مربع	مقدار F	سطح معنی داری
۱۵/۷۸	۴	۳/۹۴	۰/۵۳۸	۰/۷۰۸
۲۶۸۶/۲۳	۳۶۶	۷/۳۳		
۲۷۰۲/۰۱	۳۷۰			

سطح معنی داری تحلیل واریانس در جدول بالا بیشتر از ۰/۰۵ است. بنابراین، می توان نتیجه گرفت که تفاوت معنی دار در بین شهرهای استان آذربایجان شرقی به لحاظ شکاف جنسیتی در مشارکت اقتصادی وجود ندارد.

د) آزمون فرضیه ها

فرضیه های تحقیق این بود که نقش های جنسیتی، کلیشه های جنسیتی و مردسالاری در شکاف جنسیتی در مشارکت اقتصادی نقش دارند.

جدول شماره ۶: همبستگی بین متغیرهای تحقیق

شکاف جنسیتی در مشارکت اقتصادی		
ضریب همبستگی پیرسون	سطح معنی‌داری	
۰/۱۴	۰/۲۵	نقش‌های جنسیتی
۰/۴۱	۰/۰۰۱	کلیشه‌های جنسیتی
۰/۳۳	۰/۰۰۴	مردسالاری

بر اساس نتایج جدول بالا، تحلیل رابطه متغیرهای تحقیق نشان می‌دهد که نقش‌های جنسیتی رابطه معنی‌دار با شکاف جنسیتی در مشارکت اقتصادی ندارد. اما، رابطه متغیرهای کلیشه‌های جنسیتی و مردسالاری با شکاف جنسیتی در مشارکت اقتصادی معنی‌دار است. میزان این رابطه به ترتیب ۰/۴۱ و ۰/۳۳ است. همچنین، جهت این روابط مثبت یا مستقیم است. رابطه مستقیم به این معناست که اگر یکی از متغیرها افزایش یا کاهش یابد، دیگری نیز افزایش یا کاهش می‌یابد. کلیشه‌های جنسیتی بیانگر باورهای منفی و عقاید قالبی جامعه در خصوص وظایف و توانایی‌های زنان است، و مردسالاری بیانگر سلطه و قدرت مردان در عرصه‌های اجتماعی است. بنابر نتایج تحلیل همبستگی، در استان آذربایجان شرقی به میزانی که کلیشه‌های جنسیتی و مردسالاری بالا است شکاف جنسیتی در مشارکت اقتصادی نیز بالاتر است.

بحث و نتیجه‌گیری

هدف تحقیق بررسی عوامل جامعه‌شناختی دخیل در شکاف جنسیتی در مشارکت اقتصادی در استان آذربایجان شرقی بود. یافته‌های تحقیق نشان داد که رابطه بین نقش‌های جنسیتی و شکاف جنسیتی در مشارکت اقتصادی معنی‌دار نیست. این یافته خلاف یافته کاوند و همکاران (۱۳۹۰) است. آنها در مطالعه خود نشان داده‌اند که زنان به دلیل داشتن نقش‌های جنسیتی تعریف شده در درون خانواده شانس کمتری برای شاغل بودن دارند (کاوند و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۸۹). دلیل ناهمسو و ناهمخوان بودن این نتایج را شاید بتوان بر اساس داده‌های پژوهشی متفاوت توجیه کرد. داده‌های این پژوهش داده‌های مستقیم و اولیه بوده که به روش پیمایشی و از طریق پرسشنامه جمع‌آوری شده است. اما تحقیق کاوند و همکاران مبتنی بر داده‌های موجود و ثانویه است (همان).

یافته دیگر تحقیق این بود که رابطه کلیشه‌های جنسیتی با شکاف جنسیتی در مشارکت اقتصادی مستقیم و معنی‌دار است. این یافته در تایید یافته‌های تحقیق تقوی و سلطانی (۱۳۸۸)

است. نتایج تحقیق آنها نشان می‌دهد که کلیشه‌های جنسیتی رابطه مستقیم و معنی‌دار با گرایش زنان به اشتغال در خارج از خانه دارد (تقوی و سلطانی، ۱۳۸۸: ۱۵۰). همچنین، صفایی‌پور و زادولی زاده (۱۳۹۴) در تحقیق خود نشان داده‌اند که از مهمترین موانع مشارکت اقتصادی زنان طرز تلقی و نگرش جامعه به وظایف و توانایی‌های زنان است (صفایی‌پور و زادولی‌زاده، ۱۳۹۴: ۶۳). بر اساس نتایج این تحقیق و تحقیقات گذشته چنین برداشت می‌شود که وجود باورها و عقاید قالبی در جامعه مانع مشارکت اقتصادی زنان است. همین عقاید قالبی زنان را به نقش‌های خانه‌داری و بچه‌داری محدود کرده و نقش‌های بیرونی و اقتصادی را از آنان سلب می‌کند. این امر را می‌توان با اتکاه به نظریه بوم‌توجیه کرد. به نظر بوم‌شکاف و نابرابری جنسیتی متاثر از کلیشه‌های جنسیتی است. در یک فرهنگ در فرایند اجتماعی شدن و یادگیری تدریجی کودکان نقش‌ها و کلیشه‌های جنسیتی را می‌پذیرند و بطور غیر ارادی خود را با تصورات و عقاید قالبی سازگار می‌کنند (هاید، ۱۳۸۰: ۴۴). به سخن دیگر، بنابر نظریه بوم در فرایند اجتماعی شدن و پذیرش عقاید و کلیشه‌های جنسیتی نابرابری و شکاف جنسیتی در عرصه اجتماعی و اقتصادی بوجود می‌آید (آدامز و سیدای، ۲۰۰۱: ۱۸۴).

همچنین یافته‌های تحقیق نشان داد که رابطه مردسالاری با شکاف جنسیتی در مشارکت اقتصادی مستقیم و معنی‌دار است. این یافته در تایید نتایج مطالعه پورسل (۲۰۱۳) است. وی در تحقیق خود نشان داده است که سلطه مردان و حضور آنان در راس هرم و سلسله مراتب سازمان‌ها و شرکت‌ها مانع مشارکت اقتصادی زنان است (پورسل، ۲۰۱۳: ۲۹۱). این یافته را می‌توان بر اساس نظریه دو بوم‌چنین توجیه کرد که شکاف و نابرابری جنسیتی محصول ساخت اجتماعی و فرهنگی مردانه است. به سخت دیگر، مردان طبق فرهنگ و سنت قدرت و تسلط را در دست داشته و خواهان حفظ آن هستند. همین قدرت و تسلط بسیاری از فرصت‌های اجتماعی و اقتصادی را برای مردان مهیا کرده و زنان را از صحنه اجتماعی و اقتصادی خارج می‌کند (آدامز و سیدای، ۲۰۰۱: ۱۸۴).

بطور کلی شکاف جنسیتی در مشارکت اقتصادی ریشه در نگرش و عقاید قالبی جامعه و قدرت اجتماعی مردان دارد. بر این اساس بهبود مشارکت اقتصادی زنان مستلزم تغییر عقاید و باورهای منفی جامعه نسبت به توانایی‌ها و قابلیت‌های زنان و همچنین ارتقای جایگاه و قدرت زنان در عرصه اجتماعی است. مکانیسم‌هایی که می‌توانند در این بهبود و تغییر موثر باشند رسانه‌ها و آموزش و پرورش هستند. رسانه‌ها و آموزش و پرورش قوی‌ترین ابزار تغییر نگرش افراد و ساخت اجتماعی هستند. بنابراین، نمایش سخنرانی‌ها و فیلم‌های مختلف در رسانه‌ها در

خصوص اهمیت نقش زنان در جامعه و همچنین برگزاری کارآگاه‌های آگاه‌سازی در سطح شهرها و مدارس می‌تواند در تغییر نگرش و عقاید جامعه نتیجه بخش باشد. در خصوص ارتقای جایگاه و قدرت زنان پیشنهاد می‌شود که سهم زنان از مقامات و مدیریت‌های عالی رتبه و میانی افزایش یابد.

همچنین با توجه به ناهمخوانی این پژوهش با نتایج تحقیقات گذشته، مطالعات بیشتری مورد نیاز است تا تاثیر نقش‌های جنسیتی در شکاف جنسیتی در مشارکت اقتصادی مورد بررسی قرار گیرد.



منابع

- اکبری، حسین، (۱۳۹۱)، نقش زنان در توسعه پایدار محیط زیست، *مجله زن در توسعه و سیاست*، دوره دهم، شماره چهارم، صص ۵۶-۳۷.
- پاسبان، فاطمه، (۱۳۸۵)، عوامل اقتصادی و اجتماعی موثر بر اشتغال زنان روستایی ایران (۱۳۴۷ تا ۱۳۸۳)، *مجله اقتصاد کشاورزی و توسعه*، سال چهاردهم، شماره پنجاه و سوم، صص ۱۷۶-۱۵۳.
- پرتوی، بامداد؛ امینی، صفیار و گودرزی، امیر، (۱۳۸۸)، بررسی اثر نابرابری جنسیتی بر رشد اقتصادی ایران، *فصلنامه مدل‌سازی اقتصادی*، دوره سوم، شماره سوم، صص ۷۶-۵۱.
- تقوی، نعمت‌الله و سلطانی، مینا، (۱۳۸۸)، بررسی عوامل مرتبط با گرایش زنان دانشجوی به اشتغال در خارج از خانه، *جامعه‌شناسی*، سال اول، شماره سوم، صص ۱۶۷-۱۴۹.
- جمشیدی سلوکلو، بهنام و شیخ‌الاسلامی، راضیه، (۱۳۹۲)، تفاوت‌های فردی در نقش‌های جنسیتی و ارتباط آن با دینداری دانش آموزان، *فصلنامه شخصیت و تفاوت‌های فردی*، سال دوم، شماره سوم، صص ۱۰۱-۱۱۹.
- حافظیان، محمد حسین، (۱۳۸۸)، زنان و توسعه پایدار: نگاهی مقایسه‌ای به جهان اسلام، *پژوهشنامه زنان و توسعه*، شماره چهل و دوم، صص ۵۶-۱۱.
- دیزجی، منیره و کتابفروش بدری، آرش (۱۳۹۵)، بررسی عوامل موثر بر اشتغال زنان با تاکید بر استفاده از ICT، *زن و مطالعات خانواده*، سال نهم، شماره سی و چهارم، صص ۹۳-۷۳.
- ریتزر، جورج، (۱۳۹۳)، *نظریه جامعه‌شناسی*، ترجمه هوشنگ نایی، تهران، نشر نی.
- زارع شاه آبادی، اکبر و ندرپور، یاسر، (۱۳۹۴)، رابطه بین مردسالاری و خشونت خانگی علیه زنان در شهر کوهدشت، *فصلنامه رفاه اجتماعی*، سال شانزدهم، شماره شصتم، صص ۸۶-۶۱.
- سفیری، خدیجه، (۱۳۸۰)، نگاه جنسیتی به کار و تأثیر آن بر توسعه انسانی، *مجله تخصصی زبان و ادبیات دانشکده ادبیات و علوم انسانی مشهد*، دوره سی و چهارم، شماره سوم، صص ۷۶۰-۷۳۱.
- شادی‌طلب، ژاله و خانجانی‌نژاد، لیلا، (۱۳۹۱)، نگرش روستاییان به توانایی‌های زنان در مدیریت اجرایی روستا، *پژوهش‌های روستایی*، سال سوم، شماره چهارم، صص ۱۳۹-۱۵۴.
- شربتیان، محمد حسن، (۱۳۸۸)، بررسی ابعاد و موانع اجتماعی اشتغال زنان، *نشریه پیک نور*، سال هفتم، شماره سوم، صص ۹۵-۸۵.
- صفاکیش، محدثه و فلاح محسن‌خانی، زهره (۱۳۹۵)، بررسی عدم مشارکت اقتصادی زنان در بازار کار ایران، *مجله بررسی‌های آمار رسمی ایران*، سال بیست و هفتم، شماره یکم، صص ۱۱۹-۱۰۳.
- صفایپور، مسعود و زادولی‌خواجه، شهرخ، (۱۳۹۵)، تحلیلی بر موانع مشارکت اقتصادی زنان در ایران: نمونه موردی کلان شهر تبریز، *دو فصلنامه جامعه‌شناسی اقتصادی و توسعه*، سال پنجم، شماره اول، صص ۸۵-۶۳.

عرب مازار، عباس؛ علی‌پور، محمد صادق و زارع نیاکوکوی، یاسر (۱۳۹۳)، تحلیل عوامل اجتماعی اقتصادی موثر بر اشتغال زنان در ایران، *فصلنامه اقتصاد و الگوسازی*، سال چهارم، شماره هفدهم، صص ۹۱-۷۵.

غفاری، غلامرضا و ابراهیمی لویه، عادل، (۱۳۹۲)، *جامعه‌شناسی تغییرات اجتماعی*، تهران، آگرا.

فروتن، یعقوب، (۱۳۸۷)، رهیافتی جمعیت‌شناختی به اشتغال زنان با ملاحظاتی بر وضعیت ایران، *نامه انجمن جمعیت‌شناسی ایران*، دوره سوم، شماره ششم، صص ۱۹۲-۱۷۱.

فروتن، یعقوب، (۱۳۹۵)، بررسی اجتماعی فرهنگی کلیشه‌های جنسیتی در شهرستان محمود آباد، *فصلنامه مطالعات توسعه اجتماعی فرهنگی*، دوره پنجم، شماره یکم: ۸۵-۶۳.

کاوند، حسین؛ عوضعلی‌پور، محمدصادق؛ زندی، فاطمه و دامن کشیده، مرجان، (۱۳۹۰)، نقش جنسیت در مشارکت اقتصادی و عوامل موثر بر اشتغال زنان در ایران، *مجله سیاست‌گذاری اقتصادی*، سال سوم، شماره ششم، صص ۲۱۱-۱۸۹.

کریمی موغاری، زهرا و جهان تیغ، الهام (۱۳۹۳)، عوامل موثر بر اشتغال غیر رسمی زنان جوان در ایران، *مطالعات اجتماعی روانشناختی زنان*، دوره دوازدهم، شماره سوم، صص ۱۴۰-۱۱۵.

کریمی، محمد شریف؛ خانزادی، آزاد و چشم اغیل، مسعود (۱۳۹۷)، بررسی رابطه بین باروری، مشارکت نیروی کار زنان و رشد اقتصادی: مطالعه تطبیقی ایران و کشورهای عضو گروه هفت، *مجله جامعه‌شناسی ایران*، دوره نوزدهم، شماره یکم، صص ۱۷۱-۱۴۹.

مرکز آمار ایران، (۱۳۹۵)، نتایج آمارگیری نیروی کار پاییز ۱۳۹۵، www.amar.org.ir

مزمینی، امیر حسین؛ سحابی، بهرام و ممالکی، مهرام (۱۳۹۸)، بررسی اثر توسعه فضای مجازی بر مشارکت زنان در اقتصاد ایران، *زن و جامعه*، سال دهم، شماره نخست، صص ۳۰-۳۰۱.

مشیری، سعید؛ طایی، حسن و پاشازاده، حامد (۱۳۹۴)، عوامل موثر بر نرخ مشارکت نیروی کار در بازار کار ایران، *پژوهش‌های اقتصادی*، سال پانزدهم، شماره دوم، صص ۷۲-۴۹.

میرزایی، حسین، (۱۳۸۳)، عوامل موثر بر مشارکت اقتصادی زنان ایران، *پژوهش زنان*، دوره دوم، شماره یکم، ۱۳۳-۱۱۳.

نحوی، ابوذر و قربانی، محمد (۱۳۹۱)، بررسی عوامل موثر بر مشارکت زنان در بازار کار: مورد مطالعه شهر مشهد، *زن و مطالعات خانواده*، سال پنجم، شماره هفدهم، صص ۱۵۸-۱۴۷.

نوروزی، لادن، (۱۳۸۱)، مدلی برای تبیین نرخ مشارکت اقتصادی زنان شهری و تحولات آینده، *زن در توسعه و سیاست*، دوره یکم، شماره چهارم، ۱۶۰-۱۳۸.

هاید، ژانت، (۱۳۸۰)، *روانشناسی زنان*، ترجمه بهزاد رحمتی، تهران، انتشارات نوربخش.

Adams, Bert N., and Sydie, R. (2011), *sociological theory*, New Delhi, Vistaar publications.

- Anastasio, S. et al (2015), economic recession, austerity and gender inequality at work, evidence from Greece and other Balkan countries, *procedia economics and finance*, Volume 24: 41-49.
- Bierk, David and Han, Seungjin (2007), assortative marriage and the effects of government homecare subsidy programs an gender wage and participation inequality, *Journal of public economics*, Volume 91, Issue 5-6: 1135-1150.
- Brinkerhoff, David B. (2011), *essentials of sociology*, USA, Wadsworth.
- Cook, kay et al (2015), institutional processes and the production of gender inequalities, *critical social policy*, Volume 35, Issue 4: 512- 534.
- Dieckhoff, Martina et al (2015), measuring the effect of institutional change on gender inequality in the labour market, *research in social stratification and mobility*, Volume 39: 59-75.
- Mandel, Hadas (2009), configurations of gender nequaity : the concequences of ideology and public policy, the british *journal of sociology*, Volume 60, Issue 4: 693-719.
- OpenStax College, (2013), *introduction to sociology*, Houston, Rice Univercity.
- Purcell, David (2013), examining cultural and gender inequality in a retail fashion corporation, *journal of contemporary ethnography*, Volume 42, Issue 3: 291-319.
- Tischler, Henry L. (2011), *introduction to sociology*, Australia, Wadsworth.
- William, A. and Darity Jr. (2008), *international encyclopedia of the social sciences*, USA, Macmillan Reference.
- World Economic Forum, (2015), *the global gender gap report*, <https://www.weforum.org/reports/>.